

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته، روایت علی بن جعفر (علیهما السلام) از طایفه دوم ادله خاصه درباره مواسعه مورد بررسی قرار گرفت. در این روایت، راوی سه سؤال مطرح می‌کند و امام کاظم (علیه السلام) به آنها پاسخ می‌دهند و در پایان یک ضابطه کلی را بیان می‌کنند. مرحوم شیخ، پس از اشاره به اجمال موجود در این روایت، تلاش کرد با استفاده از روایات مشابه، از جمله روایت حسن صیقل، این ابهام را برطرف کند. با این حال، او در نهایت به این نظر رسید که اجمال روایت علی بن جعفر همچنان پابرجاست.

در مقابل، مرحوم صاحب جواهر وجود ابهام در این روایت را انکار کرده و پاسخ‌های امام (علیه السلام) را مطابق با ضابطه بیان شده در روایت دانسته است. او به‌ویژه پاسخ امام (علیه السلام) به سؤال سوم را برای استدلال بر مواسعه مناسب ارزیابی کرده است. این نظر نیز مطابق با تحقیق صحیح به نظر می‌رسد، زیرا ضابطه مذکور در روایت قابل استناد بر مواسعه است. همچنین، این ضابطه به‌طور خاص به نمازهای فریضه اختصاص دارد و اجمالی در آن دیده نمی‌شود. پاسخ امام (علیه السلام) به سؤال سوم نیز در تطابق با همین قاعده قرار دارد.

بنابراین، هرچند پاسخ امام (علیه السلام) به سؤال اول باید حمل بر تقیه شود، اما بخش پایانی روایت کاملاً قابل استناد برای مواسعه است.

نکاتی در باب حمایت از جبهه مقاومت و فلسطین

قبل از شروع بحث، لازم است یادآوری و تأکید کنم که حضور فضلا، آقایان و طلاب محترم برای تجمعی که در حرم مطهر حضرت معصومه (س) در ساعت ۱۰ ان‌شاءالله برگزار می‌شود، بسیار مهم است. این تجمع به دلیل شرایط بسیار خاصی است که برای جبهه مقاومت به وجود آمده و در مجموع به دنیای اسلام، مقاومت در مقابل آمریکا و اسرائیل، و مسائل مربوط به نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود.

روشن است که دشمنی‌های دشمن روزبه‌روز شدیدتر و نقشه‌ها و طراحی‌های آنها وسیع‌تر می‌شود. امروز نیز اخباری مطرح شده که مناطقی از یمن مورد هجوم و حمله قرار گرفته است. کفار که از قدیم "ملت واحده" بودند، امروز وحدت خود را بیش‌ازپیش تقویت کرده‌اند تا اسلام را از بین ببرند. هدف آنها این است که هیچ صدایی غیر از صدای خودشان شنیده نشود؛ قدرت، زورگویی و مطاع بودن آنها به‌تنهایی مطرح باشد و چیزی به نام خدا وجود نداشته باشد. آنها می‌خواهند عزت و استقلال بشر را نابود کنند. این نقشه اصلی دشمن است که باید برای ما روشن باشد.

متأسفانه، گاهی اوقات در فضای مجازی، افرادی که ادعای علمی و شناخت شرایط دارند، سخنانی می‌زنند که جای تعجب دارد. به‌عنوان مثال، دیدم شخصی می‌گوید: «اگر بخواهیم در اقتصاد پیشرفت کنیم، باید سیاست خارجی‌مان را اصلاح کنیم و برای

این کار باید دست از مقابله با استکبار و شعار علیه اسرائیل برداریم. اگر این کار را نکنیم، هر خریدی که در دنیا انجام می‌دهیم باید مورد تأیید خزانه‌داری آمریکا قرار گیرد. پس بهتر است دست از این شعارها برداریم تا روابط اقتصادی‌مان با دنیا بهبود پیدا کند و کشور رشد کند.

اما مسئله این است که این افراد متوجه نیستند مشکل کجاست! کار به جایی رسیده که هر کارخانه داروفروشی در دنیا بخواهد دارویی را به جایی بفروشد باید از خزانه‌داری آمریکا اجازه بگیرد. آیا این ذلت نیست؟ این بدبختی نیست؟ همه دعواها سر همین است. اگر این شرایط نبود، دعوائی وجود نداشت. آن‌ها می‌خواهند تمام کره زمین را در سیطره خود درآورند؛ از مواد غذایی، دارو، مسائل نظامی و هسته‌ای گرفته تا مسائل اجتماعی و حتی خانوادگی. همه چیز باید تحت کنترل آن‌ها باشد.

دو راه پیش‌رو وجود دارد، یکی این‌که برای بهبود ظاهری وضعیت اقتصادی، تسلیم شویم، هر دستوری که به ما می‌دهند بپذیریم و جامعه و کشورمان را برده گروه محدودی کنیم و یا اینکه در مقابل این ذلت ایستادگی و مقاومت کنیم. این دو راه بیشتر وجود ندارد و هیچ حد وسطی قابل‌تصور نیست.

همان‌طور که امام خمینی (ره) از همان زمان، خطر را درک کردند و این انقلاب برای مقابله با چنین تفکری شکل گرفت، امروز نیز وظیفه ما مقاومت است. کشورهای زیادی مانند لبنان و فلسطین مقاومت کرده‌اند و موفق شده‌اند. در سوریه هم به لطف خدا و با رهبری دایمانه مقام معظم رهبری، مقاومت شکل می‌گیرد. فرمایش مهم رهبری این است که اگر ما توقف یا سستی کنیم، مسئول تمام زحمات گذشته خواهیم بود؛ نه فقط ما حوزویان، بلکه بشر امروز مسئول خواهد بود.

در فضای مجازی، صحبت‌هایی می‌شنویم که گاه از ناآگاهی گوینده نشأت می‌گیرد. برای مثال، چگونه می‌توان از استقلال صحبت کرد وقتی برای خرید یک دارو یا ساخت سلاح باید از خزانه‌داری آمریکا اجازه بگیریم؟ این عین ذلت است.

در مقابل این ذلت، راه مقاومت قرار دارد. آن‌هایی که در دفاع مقدس یا به‌عنوان مدافع حرم شهید شدند، بهترین کارها را در وقت خودش انجام دادند. هیچ تردیدی در ارزش و صحت کارهای آن‌ها نیست. متأسفانه، برخی ناآگاهانه می‌پرسند: «این همه شهید برای چه بود؟» باید به آن‌ها گفت که دفاع و مقاومت، ارزشی غیرقابل‌انکار دارد و اگر تسلیم شویم، نتیجه‌اش ذلت و نابودی خواهد بود.

امروز شرایط بسیار حساسی داریم. هر چه انقلاب پیش می‌رود، شرایط پیچیده‌تر می‌شود و ارزش رهبری بیش‌ازپیش روشن می‌گردد. تدبیر و ارشاد مقام معظم رهبری، نقطه امید برای ماست و حوزه علمیه نیز در همین مسیر قرار دارد. مسیر صحیح، همان مسیر تبعیت از فرمایشات رهبری است که عزت را به ارمغان خواهد آورد.

راه دیگر، مسیر ذلت و تسلیم در برابر دشمن است؛ اما این راه هرگز مشکلات را حل نخواهد کرد. یا باید ذلت را به‌طور کامل بپذیریم یا مقاومت کنیم و ان‌شاءالله با گسترش مقاومت و بیداری مردم منطقه، این غده سرطانی از منطقه بیرون رانده خواهد شد و آمریکا نیز به فضل الهی و به همت ملت‌های منطقه، برای همیشه از خاورمیانه خارج خواهد شد.

روایت نهم: روایت اسماعیل بن هاشم

در حدیث نهم از طایفه دوم از ادله خاصه به بررسی روایت اسماعیل بن هاشم در استدلال به مواسعه می‌پردازیم.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ الْأَعْبَاسِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «فِي الرَّجُلِ يُؤَخَّرُ الظُّهْرُ حَتَّى يَدْخُلَ وَقْتُ الْعَصْرِ إِنَّهُ يَبْدَأُ بِالْعَصْرِ ثُمَّ يُصَلِّي الظُّهْرَ». [1]

در این روایت، امام کاظم (علیه السلام) در پاسخ به تأخیر نماز ظهر تا زمان داخل شدن وقت عصر می‌فرمایند: «يبدأ بالعصر ثم يصلي الظهر». این حکم دو تفسیر محتمل دارد:

1. تفسیر اول (بر اساس ضيق وقت):

مرحوم شیخ طوسی در تهذیب این روایت را به این شکل تفسیر می‌کند که اگر وقت عصر به گونه‌ای ضیق شده باشد که تنها به اندازه خواندن چهار رکعت (نماز عصر) باقی مانده باشد، نماز عصر اولویت دارد؛ زیرا وقت مختص عصر است. در این صورت، ابتدا نماز عصر خوانده می‌شود و سپس نماز ظهر قضا می‌گردد. این تفسیر مطابق نظر فقهای قائل مضایقه نیز هست، چراکه آنها نیز در صورت ضیق وقت، به تقدم نماز مختص به آن وقت معتقدند. بنابراین، این احتمال برای مدعای مواسعه قابل استناد نیست.

2. تفسیر دوم (بر اساس تقیه):

احتمال دیگر این است که این روایت به طور کلی حمل بر تقیه شود. عبارت «حتى يدخل وقت العصر» ممکن است به وقت نماز عصر نزد اهل سنت اشاره داشته باشد، زیرا در فقه اهل سنت چنین ترتیبی وجود دارد. در این حالت، فرمایش امام (علیه السلام) بر اساس تقیه بوده و نمی‌تواند دلیلی برای مدعا باشد.

در نتیجه این روایت، با توجه به هر دو احتمال فوق، برای استدلال به مواسعه و ترتیبی که در مدعا مطرح است، قابل استفاده نیست. اگر احتمال اول صحیح باشد، مطابق با دیدگاه مضایقه‌ای‌ها است و اگر احتمال دوم را بپذیریم، روایت جنبه تقیه‌ای دارد و از این رو قابلیت استدلال فقهی ندارد.

روایت دهم: روایت اسحاق بن عمار

این روایت را مرحوم صدوق و شیخ طوسی با سند خودشان نقل کرده‌اند.

أَلْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَلَمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تُقَامُ الصَّلَاةُ وَقَدْ صَلَّيْتُ فَقَالَ «صَلِّ وَاجْعَلْهَا لِمَا فَاتَ».[2]

شخصی به امام صادق (علیه السلام) عرض می‌کند که نماز جماعت برپا شده، درحالی‌که او قبلاً این نماز را خوانده است. امام (علیه السلام) به او دستور می‌دهند که در نماز جماعت شرکت کند و آن را به نیت قضا بخواند.

در این روایت، فرد نماز حاضر را خوانده و سپس امام (علیه السلام) به او اجازه می‌دهند که نماز فائته (نماز قضا) را بعد از حاضر به جا آورد. این امر نشان‌دهنده امکان تقدیم حاضر بر فائته است که مفهوم مواسعه را تقویت می‌کند.

مرحوم شیخ انصاری نکاتی در این روایت مطرح می‌کند که به بیان هر کدام از آنها می‌پردازیم.

و دعوی اختصاص الصلاة التي صلاها أولاً بصورة نسيان وجوب القضاء، بعيدة. نعم ظاهر الرواية الاستحباب، فيمكن حملها على محتمل الفوات.[3]

الف) احتمال فراموشی و جوب قضا

ممکن است کسی بگوید این روایت برای حالتی است که شخص نماز قضای خود را فراموش کرده و پس از خواندن نماز حاضره، به یاد قضای نماز افتاده است.

مرحوم شیخ انصاری این احتمال را ضعیف می‌داند و آن را بعید می‌شمارد، زیرا ظاهر روایت چنین احتمالی را نشان نمی‌دهد. دستور امام (علیه‌السلام) مطلق است و مقید به فراموشی و جوب قضا نیست.

ب) حکم صلّها واجعلها لما فات

سؤال دیگر این است که آیا امر به «صلّها» در این روایت وجوبی است یا استحبابی؟ شیخ انصاری می‌فرماید ظاهر روایت، استحباب را می‌رساند و امر به «صلّها» ارشاد است، نه یک حکم تعیینی. بنابراین، این روایت نمی‌تواند دلیلی بر وجوب مواسعه باشد.

ج) حمل بر محتمل الفوات

مرحوم شیخ احتمال دیگری را نیز مطرح می‌کند که روایت ناظر به حالتی باشد که فوات نماز فائده یقینی نیست و فرد گمان می‌کند نمازی از او فوت شده است. لذا اگر این تفسیر پذیرفته شود، روایت از محل بحث خارج می‌شود، زیرا در این صورت موضوع روایت فائده یقینی نخواهد بود و برای استدلال بر مواسعه کافی نخواهد بود.

جمع‌بندی نهایی طایفه دوم از ادله خاصه

بررسی طایفه دوم از ادله خاصه دال بر مواسعه به پایان رسید، موضوع این ادله این بود که مکلف با وجود اینکه فائده بر ذمه وی است، امر به انجام حاضره شده است، در حالی که طبق قول به مضایقه با وجود فائده، نوبت به انجام حاضره نمی‌رسد مگر آنکه در وقت اضطراری حاضره باشد، در بررسی این طائفه، ده روایت مطرح شد، که بعضی از روایات مثل روایت علی بن جعفر، روایت اصل حلبی، روایت عیص بن القاسم، مرسله واسطی، مصححه ابی بصیر، موثقه عمار و منقوله سید بن طاووس از کتاب الفاخر دلالت صریح بر مواسعه دارند، در بعضی روایات مثل صحیحہ جمیل بن دراج و روایت اسحاق بن عمار احتمالاتی مطرح است که با وجود این احتمالات نمی‌توان دلالت بر مواسعه را به صورت واضح از آنها نتیجه گرفت، بلکه صرفاً می‌توان از آنها به عنوان موید استفاده کرد، و بعضی دیگر از روایات مثل روایت اسماعیل بن هاشم نیز دلالتی بر مواسعه ندارد.

استدلال به طائفه سوم از ادله خاصه بر مواسعه

طایفه سوم روایات و اخباری است که دلالت بر جواز نافله چه در فرض اداء و چه در فرض قضاء، برای کسی نماز قضا بر ذمه‌اش هست، دارد، در ادامه به بیان استدلال و اشکالات مطرح شده نسبت به این روایات می‌پردازیم.

روایت اول: صحیحہ ابی‌بصیر

یکی از روایاتی که صاحب جواهر به عنوان دلیل بر جواز نافله برای فردی که فائده بر ذمه دارد مطرح کرده است، صحیحہ ابی بصیر می‌باشد. این روایت در وسائل در ابواب مواقیت، باب 61، حدیث 2 ذکر شده است.

و عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَامَ عَنِ الْغَدَاةِ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ فَقَالَ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يُصَلِّي الْغَدَاةَ. [4]

در این روایت، ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) در مورد شخصی که نماز صبح او فوت شده و خوابیده تا زمانی که خورشید طلوع کرده، سؤال می‌کند. امام (علیه السلام) در پاسخ می‌فرمایند: ابتدا دو رکعت نافله صبح را قضاء بخواند، سپس نماز صبح قضا شده را ادا کند.

این روایت به صراحت دلالت دارد که فردی که نماز واجب صبح او قضا شده، می‌تواند (و حتی باید) ابتدا نافله صبح را قضاء بخواند و پس از آن نماز واجب صبح را به جا آورد. از این حکم، توسعه (موسعه بودن) در قضای واجبات استنباط می‌شود؛ زیرا امام (علیه السلام) به جای الزام بر فوریت قضا، اجازه داده‌اند که نافله همان نماز نیز ابتدا انجام شود.

نقد و تحلیل روایت از منظر مضایقه‌ای‌ها

در میان قائلان به مضایقه، اگرچه آرای متشتت و مختلفی وجود دارد، اما ممکن است برخی از آنها قائل شوند که نافله و فائته به لحاظ حکم یکسان هستند و نافله‌ی مربوط به یک نماز واجب فوت‌شده، در واقع بخشی از همان نماز محسوب می‌شود. از این منظر، نافله و فائته از نظر فقهی از یک جنس هستند و همراه با آن به شمار می‌آیند. اگر مضایقه‌ای‌ها چنین تفسیری ارائه دهند، این روایت نمی‌تواند ردی بر نظریه آنان باشد؛ زیرا نافله همان فائته، در چارچوب استدلال آنان جای می‌گیرد در این حالت، این روایت نه دلیلی بر رد نظریه مضایقه خواهد بود و نه می‌تواند مبنای محکمی برای اثبات نظریه موسعه باشد.

جمع بندی

روایت صحیح ابی بصیر اگرچه به خوبی دلالت بر جواز تقدیم نافله‌ی مربوط به یک نماز فوت‌شده بر قضای آن نماز دارد، اما اگر قائلان به مضایقه چنین نگاهی داشته باشند که نافله‌ی همان نماز بخشی از آن محسوب می‌شود، این روایت برای رد نظریه آنان کافی نخواهد بود.

روایت دوم: موثقه عمار بن موسی الساباطی

یکی از روایاتی که بر جواز نافله در موارد قضا دلالت دارد، موثقه عمار بن موسی الساباطی از امام صادق (علیه السلام) است. عمار اگرچه به عنوان مضطرب الحدیث شناخته می‌شود، اما روایات او در مواردی قابل استناد هستند. سند این روایت نیز معتبر است.

بِسْنَدِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِكُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَهَا نَافِلَةٌ رَكْعَتَيْنِ إِلَّا الْعَصْرَ فَإِنَّهُ يُقَدَّمُ نَافِلَتُهَا فَيَصِيرَانِ قَبْلَهَا وَ هِيَ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ تَمَّتْ بِهِمَا الثَّمَانِي بَعْدَ الظُّهْرِ فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَقْضِيَ شَيْئًا مِنَ الصَّلَاةِ مَكْتُوبَةً أَوْ غَيْرَهَا فَلَا تُصَلِّ شَيْئًا حَتَّى تَبْدَأَ فَتُصَلِّيَ قَبْلَ الْفَرِيضَةِ الَّتِي حَضَرَتْ رَكْعَتَيْنِ نَافِلَةً لَهَا ثُمَّ أَقْضِ مَا شِئْتَ [5]

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: هر نماز واجبی دارای دو رکعت نافله است، مگر نماز عصر که دو رکعت آخر از چهار نماز دو رکعتی نافله بعد از ظهر، نافله عصر محسوب می‌شوند، در خصوص نافله‌های ظهر و عصر، روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهند چهار رکعت نافله‌ای که پیش از نماز ظهر خوانده می‌شود، نافله‌ی ظهر به معنای دقیق آن نیست. این چهار رکعت تنها در زمان قبل از ظهر وارد شده‌اند اما نه به عنوان نافله‌ی مخصوص ظهر. در واقع، نافله‌ی ظهر شامل سه دو رکعتی است که پس از نماز ظهر خوانده می‌شود، و دو رکعت چهارم به عنوان نافله‌ی عصر محسوب می‌گردد. برخی روایات این دیدگاه را تأیید می‌کنند که در تقابل با نظر مشهور میان فقها و معاصرین است. نظر مشهور بر این است که نافله‌ی ظهر شامل چهار دو رکعت قبل از نماز ظهر و نافله‌ی عصر نیز شامل چهار دو رکعت پیش از نماز عصر است.

حضرت در ادامه می‌فرمایند؛ اگر کسی بخواهد نمازی را قضا کند، چه نماز واجب باشد یا غیر واجب، نباید چیزی بخواند مگر آنکه ابتدا قبل از قضای آن فریضه، دو رکعت نافله برای آن نماز بخواند. سپس هر نمازی که می‌خواهد قضا کند.

بیان شاهد بر استدلال در روایت

نکته مهم این روایت آن است که امام (علیه السلام) تأکید می‌کنند پیش از قضای نماز واجب، می‌توان دو رکعت نافله خواند. این امر نشان‌دهنده‌ی آن است که وجوب قضا حالتی موسّع دارد؛ زیرا اگر وجوب قضا مضیق و فوری بود، امام اجازه نمی‌داد پیش از انجام قضای واجب، دو رکعت نافله خوانده شود. همچنین از این روایت برمی‌آید که یکی از موارد مشروعیت نوافل، نافله‌ی قضا است؛ به‌طوری‌که دو رکعت نافله پیش از نماز قضای واجب به‌عنوان مستحب توصیه شده است.

احتمالات مرحوم مجلسی در مورد روایت

در کتاب ملاذ الأخیار تألیف مرحوم علامه مجلسی، توضیحاتی در مورد روایت فوق ارائه شده است. مرحوم مجلسی در این عبارت چهار احتمال مطرح کرده است. همچنین، درباره عبارت بعدی روایت یعنی «فإذا أردت أن تقضى شيئاً من الصلاة...» نیز چهار احتمال مطرح کرده است.

احتمالات بخش اول روایت

ابتدا احتمالات مربوط به قسمت اول روایت، یعنی «لكل صلاة مكتوبة لها نافلة ركعتين»، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قوله عليه السلام: لكل صلاة مكتوبة لها نافلة ركعتين "لها" تأکید لقوله "لكل" و یحتمل أن يكون المراد به أن لكل صلاة نافلة تختص بها، إلا العصر فإنه اكتفي فيها بركعتين من نافلة الظهر لقربهما منها.

و هذا بناء على أن الثماني ركعات قبل الظهر ليست بنافلة الظهر و لكنها لهذا الوقت، و الثمان بعدها نافلة للظهر كما يدل عليه كثير من الأخبار.

و یحتمل أن يكون المراد أن كل صلاة بعدها نافلة و إن لم تكن متصلة بها، إلا العصر فإنها قبلها و ليس بعدها إلى المغرب نافلة.

أو المراد أن كل فريضة لها نافلة متصلة بها، سواء كان قبلها أو بعدها إلا العصر فإنه يجوز الفصل بينها و بين الركعتين لاختلاف وقتيهما، لا سيما على القول بالمثل و المثلين في الفريضة خاصة.

أو المراد أن لكل صلاة نافلة ركعتين قبلها غير النوافل المرتبة إلا العصر، لكن لا يوافقه قول و لا يساعده خبر.[6]

احتمال اول

این احتمال بیان می‌کند که هر نماز واجبی یک نافله مختص به خود دارد، به جز نماز عصر. دلیل این است که برای نماز عصر، دو رکعتی از نافله ظهر، به دلیل نزدیکی و اتصال زمانی آن به عصر، کفایت می‌کند. به عبارت دیگر، «إلا العصر فإنه اكتفي فيها بركعتين من نافلة الظهر لقربهما منها».

در توضیح بیشتر می‌توان گفت که اگر بر این مبنا نظر دهیم که نافله ظهر پس از نماز ظهر خوانده می‌شود، دو رکعت آخر آن که به عصر نزدیک‌تر است، گرچه حقیقتاً به نافله ظهر تعلق دارد، ولی به عنوان نافله عصر نیز محسوب می‌شود.

احتمال دوم

در این احتمال آمده است که «لكل صلاة مكتوبة لها نافلة ركعتين» به این معنا باشد که هر نماز واجبی، دو رکعت نافله دارد، اما این نافله الزاماً متصل به آن نماز نیست. استثناء در اینجا مربوط به عصر است که نافله آن پیش از عصر و متصل به آن خوانده می‌شود و پس از عصر تا مغرب نافله‌ای وجود ندارد. در این احتمال، کلمه «لها» به «بعدها» معنا شده است.

احتمال سوم

این احتمال بیان می‌کند که «لکل صلاة مكتوبة لها نافلة ركعتين» به معنای این است که هر نماز واجبی، دو رکعت نافله متصل به خود دارد، چه این اتصال پیش از نماز باشد و چه پس از آن. اما نماز عصر از این قاعده مستثنی است؛ زیرا برای آن می‌توان بین نماز عصر و نافله آن فاصله انداخت، چراکه وقت نماز عصر با نافله آن متفاوت است. در این احتمال، کلمه «لها» به معنای «بمتصلةً إليها» تفسیر می‌شود.

احتمال چهارم

در این احتمال، «لکل صلاة مكتوبة لها نافلة ركعتين» به این معنا گرفته شده است که هر نماز واجبی، دو رکعت نافله پیش از خود دارد. به عبارت دیگر، «لها» به معنای «قبلها» تعبیر می‌شود. این احتمال قائل است که روایت غیر از نوافلی که به صورت مرتب در احادیث ذکر شده (مانند چهار دو رکعت نافله ظهر یا عصر)، بر وجود دو رکعت نافله پیش از هر نماز واجبی تأکید دارد. البته، مرحوم مجلسی در نهایت این احتمال را رد کرده و می‌فرماید: «لکنه لا یوافق قول و لا یساعده خبر»؛ یعنی هیچ قول یا خبری این احتمال را تأیید نمی‌کند.

جمع‌بندی احتمالات

این چهار احتمال در عبارت «لکل صلاة مكتوبة لها نافلة ركعتين» مطرح شده است. بررسی احتمالات نشان می‌دهد که تفسیر دقیق این عبارت بستگی به فهم کلمه «لها» دارد، که ممکن است به معنای «بعدها»، «قبلها»، یا «بمتصلةً إليها» تفسیر شود.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] «تهذيب الأحكام»، ج 2، ص 271.
- [2] همان، ج 3، ص 51.
- [3] انصاری، مرتضی بن محمدامین، «رسائل فقهية (انصاری)»، ص 319.
- [4] حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة»، ج 4، ص 283.
- [5] همان، ج 4، ص 284.
- [6] مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار»، ج 4، ص 351.

منابع

- انصاری، مرتضی بن محمدامین، رسائل فقهية (انصاری)، 1 ج، قم - ایران، مجمع الفکر الإسلامي، 1414.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم - ایران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، 1416.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذيب الأحكام، تهران، دار الكتب الإسلامية، 1365.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، قم - ایران، کتابخانه آیه الله مرعشي نجفی، 1406.